



حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر

پدیدآورنده (ها): راعی، مسعود

فقه و اصول :: نشریه حکومت اسلامی :: تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۵۶ (ISC)

صفحات : از ۱۱۳ تا ۱۳۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/692670>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران
- حریم خصوصی در اسلام و نسبت آن با امر به معروف و نهی از منکر
- مبانی روایی حمایت از حریم خصوصی
- رسانه ها و حریم خصوصی افراد شیوه های حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران و کشورهای آلمان، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، انگلیس و آمریکا
- بررسی علل عدم پذیرش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه
- مصادیق حق حریم خصوصی در فقه و نظام حقوقی ایران
- فقه و زندگی؛ امر به معروف و نهی از منکر
- حریم خصوصی؛ حق یا حکم
- دولت دینی و حریم خصوصی (بازخوانی فرمان هشت ماده ای امام خمینی ره)
- قانون گریزی نقض متقابل حقوق شهروندی
- مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا
- تحلیل نسبت امر به معروف و نهی از منکر با اصل آزادی

عناوین مشابه

- حریم خصوصی در اسلام و نسبت آن با امر به معروف و نهی از منکر
- بازخوانی نسبت امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی بر مبنای قرآن
- واکاوی ارتباط حریم خصوصی اشخاص با امر به معروف و نهی از منکر
- تأملی در حریم خصوصی و محدودساختن امر به معروف و نهی از منکر در رفتارهای علنی از منظر فقه و قانون
- کارکرد نهادهای امر به معروف و نهی از منکر در بستر تاریخ اسلام با تکیه بر احکام فقهی
- میزان توجه به امر به معروف و نهی از منکر در برنامه درسی پیام‌های آسمانی اول راهنمایی
- موانع امر به معروف و نهی از منکر از منظر آیات و روایات
- نگاهی به امر به معروف و نهی از منکر در تراث اسلامی از منظر مایکل کوک و نقد آن
- ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر با رویکرد قرآنی و روایی
- بازخوانی امر به معروف و نهی از منکر کارآمد از نگاه قرآن و عترت

حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر

مسعود راعی *

تأیید: ۸۹/۸/۴

دریافت: ۸۹/۴/۱۰

چکیده

ماهیت حریم خصوصی و مبنای آن در زمره کانونی‌ترین موضوعات حقوق بشری قرار دارد. امروزه حریم خصوصی به‌عنوان یک اصل بنیادین و اخلاقی، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی، این اصل به‌عنوان یک حق، مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفته است. در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران، هر چند این واژه به‌کار نرفته است، اما قانونگذار با بیان مصادیق آن به تعیین قلمرو و دامنه آن پرداخته است. اهمیت این موضوع امروزه به‌مراتب افزایش یافته و توجه همه دولت‌ها را به خود جلب کرده است. وجود ابهاماتی در تعریف، مبنا، قلمرو و مصادیق این حق، آن را از جهت نظری نیازمند مباحث ویژه‌ای کرده است. در این نوشتار، ضمن بررسی این موضوع و مبانی آن، نسبتش با مهمترین مفهوم اجتماعی در گزاره‌های دین اسلام؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر تبیین شده است.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، حریم عمومی، امر به معروف، نهی از منکر، مبانی نظری، حقوق
حریم خصوصی

* محقق حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد نجف آباد.

پذیرش حوزه‌هایی که دیگران به راحتی و بدون هرگونه دلیل منطقی و عقلانی‌ای نتوانند در آن وارد شوند از آرزوها و مطالبات عمومی انسانها در جوامع گذشته، حال و آینده محسوب می‌شود. نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی انسانها حاکی از ترسیم قلمروی است که انتظار آن بوده است که دیگران اعم از افراد و دولت‌ها بدون اذن و رضایت صاحب قلمرو، وارد آن نشوند. ورود به منازل دیگران، اماکن خصوصی، استراق سمع، بازرسی بدنی با ابزارهای مختلف، انگشت‌نگاری برای ورود به سرزمین دیگر کشورها از جمله اموری هستند که در این قالب، خود را نشان می‌دهند.

پذیرش و شناسایی هویت فردی و اعلام رسمی چنین هویتی، چه از طرف دیگران و چه از طرف دولتمردان و حاکمان، اقتضای پذیرفتن حقوق و آزادی‌های فردی را دارد؛ هر چند در ترسیم این قلمرو و محدوده آن، اختلاف نظر بسیار است که باید گفت: تنها با تکیه بر مبانی نظری این حق، می‌توان به ارائه راه‌حل‌های منصفانه و عادلانه پرداخت.

مفهوم حریم خصوصی و حقوق ناشی از آن به معنای امروزی در دهه ۱۸۹۰ توسط یکی از قضات دادگاه‌های ایالات متحده به نام «لویس براندیس»^۱ در مقاله‌ای با عنوان «حقوق مصونیت و حریم خصوصی» به کار رفت. او در این مقاله، حریم خصوصی را به معنای حق تنها بودن برای افراد دانست.

این واژه با تأخیر در ادبیات حقوقی وارد شد؛ به عنوان مثال، تحقیقات دانشگاه «تورنتو» بیانگر آن است که تا سال ۱۹۶۰ میلادی این واژه در این دانشگاه مورد استفاده و پژوهش واقع نشده است (انصاری، ۱۳۸۶: ۶۴). با گذشت زمان، این معنا در اسناد مختلفی مطرح شد. از جمله اسنادی که به این موضوع و حقوق مربوط به آن - تا حدودی - اشاره کرده‌اند، ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ و ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره) که در موارد مختلف از جمله: بند (الف) از ماده ۶ و بند (الف) از ماده ۸، بیانیه تهران (۱۹۶۸ میلادی)، دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص حمایت از داده‌ها (۱۹۹۵ میلادی) و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین می‌باشند.

مقصود این مقاله، یافتن نسبت بین حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر

است، اما وجود ابهامات مفهومی و قلمرویی در خصوص حقوق حریم خصوصی، مانع از ارائه یک نسبت‌سنجی روشن می‌شود. از این جهت، ضروری است که در رابطه با مفهوم، مبنا و قلمرو این حق، کنکاش صورت بگیرد.

مفهوم حریم خصوصی

شناسایی حریم خصوصی به‌عنوان حقی از حقوق مدنی و سیاسی بشری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت، با مشکلات و معضلات چندی در این رابطه نیز همراه می‌باشد. پذیرش حریم‌هایی که هیچ‌کس، حتی دولت نتواند وارد آن شود و تعریف ضابطه معین برای ورود به آن حوزه و مطالبه از دولت برای شناسایی این حق و اجرای آن و مجازات کردن افرادی که بدون دلیل، این حریم را نقض می‌کنند از جمله عواملی هستند که در تحقق مشکلات و معضلات مربوط به حریم خصوصی، ماهیت و قلمرو آن نقش‌آفرینی داشته‌اند. این وضعیت، اندیشمندان را وادار کرد که بگویند: باید همه اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف، ذات و قلمرو این حق وجود دارد (همان). وجود چنین معضلاتی موجب شد این سؤال مطرح شود که آیا حریم خصوصی، هویت مستقلی دارد و یا اینکه در قلمرو سایر حقوق محسوب می‌شود و هیچ‌گونه هویت مستقلی ندارد. در صورت دوم باید گفت: در اسناد گروه حقوق بشری، عنوان جدایی از سایر حقوق برای این مفهوم وجود ندارد؛ بلکه آنچه وجود دارد حقوقی است با محدوده و قلمروهای خاص که به این قلمروها، حریم خصوصی اطلاق می‌گردد.

مطلب دیگری که در خصوص شناسایی و تعریف مفهوم حریم خصوصی وجود دارد، آن است که آیا تعریف حریم خصوصی باید در پرتو هدف صورت گیرد و یا در پرتو وسیله و ابزاری که برای تحقق و اجرای این حق به‌کار گرفته می‌شود. آیا تعریف، باید ناظر به هدف و نتیجه باشد یا ناظر به فعل و رفتار (بدان معنا که رسیدن به نتیجه و یا حتی نحوه رسیدن به نتیجه، مد نظر نباشد و تمام توجه و اهتمام به اصل فعل و عمل و رفتار و نحوه آن باشد)؟ نکته دیگری که توجه به آن در شناخت مفهوم و ماهیت حریم خصوصی نقش دارد، آن است که آیا در این رابطه، باید رویکرد توصیفی ارائه کرد یا می‌توان از رویکرد ذهنی و آرمانی برای تعریف مفهوم استفاده کرد. آیا در تعریف حریم خصوصی، باید به آنچه وجود دارد بسنده کرد یا آنکه می‌توان با توجه به

آرمانها، ارزشها و مطلوبهای اجتماعی نیز به تعریف پرداخت.

دخالت داشتن همه عوامل فوق، منجر به ارائه تعریف‌های مختلفی از مفهوم حریم خصوصی شده است. حق تنهابودن، حق برخورداری از خلوت و توانایی برای ایجاد مانع در برابر دسترسی ناخواسته دیگران، حق برخورداری از کرامت و شخصیت انسانی از جمله تعاریفی می‌باشند که در این زمینه ارائه شده است (Louis Brandeis, 1890).

قدر مشترک همه تعابیر مذکور، پذیرش حق‌بودن چنین امری است که دربرگیرنده حریم مکانی، حریم روحی - روانی، حریم ارتباطی، حریم آبرویی و حریم روابط حاکمیتی است. این سخن، بدان معنا است که هر فردی از افراد جامعه، دارای یک قلمرو خاص و غیر قابل نفوذ است که هیچ شخصی، حتی دولت، بدون وجود دلیل قوی، حق ورود به آن را ندارد. برای ارائه و تبیین بهتر تعریف، ضروری است که حوزه‌های مختلف حریم خصوصی، شناسایی شده تا تعریف مذکور در هر کدام به شکل دقیق‌تری نمایان شود:

۱- حریم اطلاعاتی: این حوزه از حریم خصوصی مربوط به مراقبت از اطلاعات شخصی افراد است. ورود عصر رسانه و امکان دستیابی به اطلاعات افراد و اعلان عمومی، بیانگر ضرورت وجود چنین حوزه‌ای است. در این حوزه، سخن بر سر تصویب قوانینی است که به حفاظت اطلاعات منجر شود (Data Protection). در این راستا ادعا آن است که اطلاعات شخصی افراد؛ مانند اطلاعات پزشکی، فامیلی و آبرویی، تحت کنترل، حمایت و حفاظت قرار گیرد.

۲- حریم جسمانی: این بعد از حریم خصوصی، ناظر به حفاظت از جسم و فیزیکی افراد است تا مورد تجاوز، دزدی و آدم‌ربایی و اعمالی همچون آزمایش‌های ژنتیکی، دارویی و یا عکس‌برداری قرار نگیرند.

۳- حریم ارتباطات: این حوزه که مهمترین و چالشی‌ترین حوزه در موضوع حریم خصوصی است دربرگیرنده کلیه اشکال ارتباط افراد در جامعه است؛ چرا که دامنه چنین حریمی شامل امنیت پست‌های الکترونیک، پست، اینترنت و کلیه انواع ارتباطات؛ اعم از مستقیم و غیر مستقیم می‌شود.

۴- حریم مکانی: همان حریم مسکونی است؛ اما امروزه به دلیل ابهام در مفهوم حریم مسکونی به عنوان حریم خصوصی مکانی، تحت عنوان حریم مکانی عمومی قرار

می‌گیرد. از آنجا که تعیین دامنه حریم عمومی عملاً به عرف جامعه واگذار شده است، حالتی سیال و نسبی به خود می‌گیرد. با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت که حریم خصوصی، حق تنها بودن و حق برخوردار بودن از حوزه‌های خاص غیر قابل نقض می‌باشد. این حوزه‌ها همراه با سلیقه‌های فردی نیز تعریف می‌شود. این تعریف با مضامین مشابهی در تعریف شورای اروپا (۱۹۷۰م)، کمیته یانگر (۱۹۷۲م)، کنفرانس حقوقدانان نروژ در خصوص حق احترام به حریم خصوصی (۱۹۷۹م) و کمیته کالکات (۱۹۹۰م) بیان شده است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۹). می‌توان گفت با رجوع به آموزه‌های اسلامی همین برداشت نیز صادق است که طی بحث‌های آتی به آن پرداخته خواهد شد.

با لحاظ آنچه گذشت باید گفت: حریم خصوصی، فاصله تعریف‌شده بین فرد و جامعه است. به عبارت دیگر، مفهوم حریم خصوصی با این پیش فرض مواجه است که همیشه بین فرد و جامعه، یک فاصله وجود دارد که مربوط به فرد است و در واقع، حریم او محسوب می‌شود. این حریم در رویکرد دینی، ماهیت تربیتی و اخلاقی دارد و همین ماهیت، زمینه ضمانت اجرایی خوبی را برای آن فراهم کرده است.

راهکارهای حمایتی

به منظور تحقق چهار الگوی موجود در رابطه با حریم خصوصی، چهار راهکار حمایتی نیز در جهان مطرح شده است که عبارتند از:

الف- راهکار حقوق عمومی: در این راهکار، تلاش بر آن است که حریم خصوصی در قالب حقوق عمومی تعریف شود. ویژگی خاص حقوق عمومی آن است که سود و زیان ناشی از انجام یا ترک آن، به کل جامعه انسانی تسری پیدا می‌کند. وجود چنین خصلتی، اقتضای اهتمام فوق‌العاده به قوانین حقوق عمومی را در بُعد داخلی و بعد بین‌المللی به وجود آورده است. این اهتمام، هم در بعد کنترلی و هم در بعد نظارتی تعریف شده است که اصطلاحاً به مدل قوانین جامع (Comprehensive Law) هم معروف است. در این راهکار، وظیفه خاص حمایتی بر دوش دولت گذاشته می‌شود. در نتیجه، دولت علاوه بر اینکه خود، حق دخالت یا ورود به این حریم را ندارد، باید برای حفظ این حریم، هم اقدامات پیش‌گیرانه و هم اقدامات تنبیهی را اعمال کند. کوتاهی دولت در این حوزه، مسؤولیت داخلی و بین‌المللی را برای دولت به وجود می‌آورد.

ب- مدل قوانین موردی: همچنان که از نام آن برمی آید، این مدل در برابر قوانین جامع قرار می گیرد و حالت موردی دارد. در این مدل، قوانین با توجه به نیاز و شرایط خاص تصویب می شوند. عدم برخورداری از یک سیستم نظارتی کارآمد و نداشتن تعریف روشن در قوانین موردی و در نتیجه، فقدان سیستم جامع که دربرگیرنده همه احتمالات باشد از عیوب این مدل است.

ج- مدل خودتنظیمی (Self Regulation): در این مدل، خود فرد با توجه به مسئولیتی که بر دوش دارد به تنظیم روابط خود در خصوص حفاظت از اطلاعات و اموال شخصی خود می پردازد. این روش هر چند از ضمانت اجرایی خوبی برخوردار است، اما در عین حال، ابهام در نوع حفاظت و ابهام در نوع احوال شخصی، منجر به ناکارآمدی خواهد شد.

د- تکنولوژی حریم خصوصی (Technologies of Privacy): در این مدل با استفاده از فناوری در سطوح مختلف حفاظتی به حمایت از حریم خصوصی به ویژه در بعد اطلاعات پرداخته خواهد شد. استفاده از تکنولوژی می تواند دامنه حمایت را افزایش دهد و حاشیه امن متجاوزان و متجاسران به حریم خصوصی را از بین برد؛ به گونه ای که این افراد زودتر شناسایی شده و در برابر قانون قرار داده شوند. عیب این روش، آن است که می تواند ابزاری برای ورود به حریم خصوصی باشد و اطلاعات افراد را سرقت کند (Volio Fernanda, 1981).

اسلام و حریم خصوصی

آیاتی از قرآن کریم بر پذیرش این حقیقت در اسلام دلالت دارند. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور، آیه ۱۱ سوره حجرات و کل سوره همزه نمونه هایی از این آیات می باشند که هر کدام بعد خاصی از حریم خصوصی را نشان می دهند. به عنوان مثال، آیه ۲۸ سوره نور در بیان پذیرش حریم مکانی از واژه «هو ازکی لکم» استفاده کرده است. کاربرد این واژه در آموزه های دینی حاکی از آن است که تزکیه، اثر روحی و معنوی خاصی دارد و گناه دقیقاً عکس آن را به همراه دارد.

با دقت در آیات مختلف قرآن و از جمله آیه ۵۸ سوره احزاب، باید گفت: حریم خصوصی، شامل حوزه های مکانی، آبرویی، مالی و جانی فرد است و کاملاً جنبه شخصی دارد که نباید مورد دستبرد دیگران قرار گیرد و از آنجا که این قلمرو به عنوان

یک حق محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۵: ۹۰ - ۹۱؛ مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۳، ج ۱۴: ۴۰۵)، دیگران در برابر آن تکلیف دارند و نمی‌توانند با دلایل احتمالی به آن وارد شوند و یا به افشای آن پردازند. قرآن کریم در آیات ۱۱ تا ۱۷ سوره نور به این حقیقت که مربوط به آبروی افراد است می‌پردازد. در این آیات خداوند ضمن توبیخ کسانی که با ظن و گمان شایعه‌پراکنی کرده و به اعتقادشان مورد شایعه را امری معمولی و آسان تلقی می‌کردند، با تأکید ابدی اعلام می‌کند که مجدداً کسی این روش را دنبال نکند. نکته مهم اینکه قرآن مجید در آیه ۱۵ همین سوره خطاب به مردان و زنان مؤمن اعلام می‌کند که شما مورد و مسأله‌ای را کوچک می‌پنداشتید در حالی که در نزد خداوند بزرگ است و در ادامه آیه از مؤمنان این سؤال توبیخی را می‌پرسد^۲ که چرا هنگامی که آن تهمت را شنیدید، نگفتید ما حق نداریم که به این سخن، تکلم کنیم (نور(۲۴): ۱۶)؟^۳ می‌توان از سیاق این آیات، وعده عذاب الهی را در صورت تعدی و تجاوز به حریم خصوصی استنباط کرد. ممنوعیت تجسس، تحسس و تفتیش (حجرات(۴۹): ۱۲) در ذیل همین معنا و مفهوم قرار می‌گیرد. تفاوت واژگان در این آیه، حاکی از گسترده‌بودن دامنه چنین ممنوعیتی است. تجسس به معنای کشف عورات دیگران و تحسس به معنای استماع سخنان دیگران است (ابن الجوزی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۱۸۶).^۴ ضرورت استیذان و استیناس و معرفی خود برای ورود به منازل دیگران (نور(۲۴): ۲۷)، عدم تحقق ضمان برای صاحب منزل، اگر سگ او پای فردی که بدون اذن وارد شده را بگیرد (علامه حلی، ۱۴۱۰ق: ۲۹۸)، ممنوعیت سوءظن (حجرات(۴۹): ۱۲)، تلقی سوءظن به عنوان بدترین نوع دروغ‌گویی (ری‌شهری، ۱۳۸۰: ۳۹۱)، ضرورت حمل عمل برادر دینی بر بهترین توجیه تا آنکه خلاف آن ثابت شود. ممنوعیت نمّامی (سخن‌چینی) که بنا بر فرمایش شهید ثانی، غیبت، وجه مشدد نمّامی است (شهید ثانی، بی‌تا: ۳۰۶)، ممنوعیت سبّ و قذف و هجو که شیخ انصاری آن را به ادله اربعه حرام می‌داند (شیخ انصاری، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۹۴) و احوط دانستن انجام این عمل در خصوص اشخاص ظاهرالفساد که تنها در صورت جمع‌بودن شرایط نهی از منکر می‌توان آن را انجام داد (همان)، همگی حاکی از اهمیت، جایگاه و ضرورت توجه به حریم خصوصی اشخاص است.

قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد که دیگران را مورد تمسخر خویش قرار ندهند و در تحلیل آن می‌فرماید: شاید قوم مورد تمسخر، بهتر از گروهی باشند که تمسخر می‌کنند. جالب‌تر اینکه همین خطاب و تحلیل را به‌منظور تأکید بیشتر و در خصوص زنان به‌طور جداگانه بیان می‌کند. اینکه چرا قرآن کریم می‌فرماید: شاید گروه مسخره‌شده بهتر باشند، خود جای بحث و گفت‌وگو دارد. می‌توان گفت ادب قرآنی اقتضا کرده است که دل افراد تمسخرکننده با کلمه شاید، متوجه خطای فاحش خویش بشود؛ چرا که روشن است که مسخره‌کردن به‌دلیل آنکه با پیش‌فرض تحقیر فرد مورد تمسخر همراه است، قطعاً کار زشتی است؛ به‌ویژه اگر علت تمسخر، مسأله‌ای غیر عادی در فرد مورد تمسخر باشد؛ مثل آنکه گویش یا ویژگی جسمی خاصی در فرد مورد تمسخر، وجود داشته باشد. از نکات مهم دیگری که در این آیه در مورد حریم خصوصی مطرح شده است، مسأله طعن و عیب‌جویی است که باز از مصادیق حریم آبرویی است. به‌کاربردن نام بد و القاب نکوهیده و زشت برای یکدیگر از منظر قرآن، کار بسیار زشتی تلقی شده است؛ تا جایی که از جمله منکرات و فسق دانسته شده است و باید از چنین عملی توبه کرد. این آیه شریفه به‌طور شفاف بیانگر حریم خصوصی از دیدگاه آیات الهی است.

حریم خصوصی و اسناد بین‌المللی

اهمیت این موضوع را می‌توان در اسناد حقوق بشری نیز یافت. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲ اعلام می‌کند که «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد».

دایره وسیعی که از حریم خصوصی در این ماده ترسیم شده است، بیانگر اهمیت و جایگاه آن در بین سایر حقوق بشری است. این معنا در ماده ۹ نیز بیان شده است: «احدی نباید خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود»؛ یعنی آنکه حریم مکانی افراد نباید به‌صورت خودسرانه مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد. در ماده هشتم، ضمانت اجرای چنین حق اساسی و انسانی‌ای، رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دانسته شده است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۹ و ۱۷ خود، همین حقیقت را متذکر شده است.

ماده ۱۴ کنوانسیون مربوط به حقوق کارگران مهاجر و ماده ۱۶ کنوانسیون ملل متحد - مربوط به حمایت از کودکان - به این امر مهم اشاره کرده است. از دیگر اسنادی که به این موضوع پرداخته‌اند، عبارتند از: اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره، ۱۹۹۰م) در بند (الف) از ماده ۶ و بند (الف) ماده ۸ و بیانیه تهران (۱۹۶۸م) و دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد حمایت از داده‌ها (۱۹۹۵م) که همگی دلالت بر موقعیت ویژه این حق انسانی دارند.

تعیین قلمرو حریم خصوصی

اکنون که جایگاه، اهمیت و تعریف حریم خصوصی مشخص شد، ضروری است به تعیین دامنه و قلمرو آن پرداخت. بدین منظور، دو راه مشخص می‌تواند مطرح باشد: الف- از طریق افعال مجرمانه: یکی از راه‌های تعیین حریم خصوصی، آن است که معلوم شود قانون، انجام کدام رفتار را در خصوص افراد، جرم و برای آن مجازات تعیین کرده است (کدخدایی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی). افعالی چون: تجاوز به املاک (Trespass)، مزاحمت و ایذا و اذیت (Nuisance)، هتک حرمت اشخاص، جرایم علیه اشخاص و اطفال، جرایم ضد عفت، جرایم بر ضد حقوق خانوادگی، افشای سر، ربودن مال غیر، سرقت، تهدید، اتلاف اموال غیر، هتک حرمت منازل، افترا و تهمت از این نوع هستند که در هر کدام به نوعی نقض خلوت و حریم خصوصی وجود دارد (Breach of confidence). می‌توان گفت دلیل مجازات برای چنین رفتارهایی آن است که مرتکب، با انجام آن حقی از حقوق انسانی فرد که ناظر و مربوط به حریم خصوصی او می‌باشد را مورد تجاوز و تجاسر خود قرار داده است. در قانون مجازات اسلامی - کتاب پنجم - با عناوین متفاوتی نوع مجازات‌های مربوط به مرتکب نقض چنین حقوقی، از زندان تا اعدام تعیین شده است.

ب- استناد به مبانی نظری: مبانی نظری در بنیادهای اسلامی و غربی متفاوت است. به عبارت دیگر، آنچه در اسناد حقوق بشری به عنوان حقوق اولیه و ذاتی انسان مطرح شده است، با مبنای خاص خود تعریف و تبیین شده‌اند. این مبانی شامل عقل‌بستگی، گرایش سکولاریستی، فرجام‌انکاری، پذیرش تفکرات اومانیستی و مسؤولیت‌گریزی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۷۱-۲۷۵). مطابق این مبانی، حریم خصوصی دامنه گسترده‌ای پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اصل بر آزادی افراد است که در پرتو آن،

دخالت جامعه باید به حداقل برسد و تنها مرجعی که تعیین می‌کند یک فرد تا کجا می‌تواند خود برای خود تصمیم بگیرد، قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه، آن هم ویژه یک جامعه دموکراتیک است (ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر). نتیجه آنکه نوع رفتار، پوشش، مذهب و سایر مسائل فردی، چنانچه به دیگران ضرر نرساند و مزاحم آزادی آنها نشود، کاملاً در اختیار فرد است و ممنوعیتی ندارد. در مقابل، مبانی نظری پذیرفته‌شده در آموزه‌های اسلامی به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت تعریف می‌شوند. بر اساس این مبانی، دامنه حریم خصوصی به آن رفتاری که کاملاً جنبه شخصی داشته و آثار اجتماعی به‌دنبال خود نداشته باشد، محدود خواهد شد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۲۷۴). مهمترین مبانی نظری در اسلام عبارتند از: خدامحوری، مسئولیت‌محوری، پذیرش اصل حکمت الهی و کمال‌محوری.

متفکرین اجتماعی و فلاسفه حقوق در غرب، فقط به دو حق؛ یعنی حق فرد و حق جامعه توجه کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۳). علت این اعتقاد، پذیرش مبانی نظری خاصی است که به آنها اشاره شد. از این رو، اهتمام این اندیشمندان آن بوده است که تعارض حقوق فردی و اجتماعی را حل کرده و چاره‌ای برای آن بیندیشند. اما بر اساس مبانی نظری اسلامی، حق سومی نیز متصور است که نقش مهمی در تعیین حریم خصوصی دارد و آن، حق خالق جهان و انسان است. باید گفت که حق خداوند، بدان جهت که کاملاً در راستای تحقق استکمال فردی است و در نتیجه، استکمال جامعه را به‌دنبال خواهد داشت، بر هر حق دیگری تقدم دارد و در مقام تعارض، آنچه می‌تواند معیار تعیین اولویت باشد، توجه به حق‌الله است. پذیرش تقدم حق خداوند بر همه حقوق، تقدم عبادت و اطاعت خداوند را به‌دنبال دارد. بنابراین، حریم خصوصی فرد، نباید به عبادت و اطاعت او از خداوند لطمه وارد کند، هر چند این اجازه برای دولت وجود ندارد که حریم خصوصی را نقض کند. این سخن بدان معنا است که هر فردی وظیفه دارد که از حریم خصوصی خود، استفاده مطلوب کرده و آن را وسیله‌ای برای سوء استفاده قرار ندهد و دولت نیز وظیفه پاسداشت از این حریم را دارد. پس می‌توان گفت که تعیین قلمرو باید با لحاظ مفاهیمی همچون: ایده، مذهب، مکان، زمان و باورهای صحیح فرد و جامعه صورت گیرد.

روش دوم در مقایسه با روش اول، این برتری را دارد که می‌تواند معیاری روشن و

قابل ارزیابی ارائه کند و در ضمن در اختیار فرد خاص و یا مجموعه‌ای خاص به‌عنوان قانونگذار انسانی قرار نگیرد. این رویکرد، اصل انصاف را نیز در پی دارد که خود، مزیت دیگری محسوب می‌شود؛ چرا که اصل انصاف، مکمل عدالت فردی و اجتماعی بوده و اجرای عدالت را هموارتر و آسان‌تر کرده و پذیرش آن را سهل‌تر می‌کند. افزون بر اینها، تکیه بر عدالت، انصاف و سایر مفاهیم دینی - اسلامی، راهکار استکمال نفس را به‌صورت معین و شفاف در اختیار انسان قرار می‌دهد و او را از انجام هرگونه تجربه غیر ضروری بی‌نیاز می‌سازد.

حضور عنصر انصاف در تعیین قلمرو حریم خصوصی، منوط و مربوط به چند عامل است که به‌طور مختصر بدان اشاره می‌شود:

- الف- عمومی بودن و یا خصوصی بودن مکان نقض حریم خصوصی؛
- ب- عادی یا حساس بودن موضوع مورد شنود و استراق سمع؛
- ج- استفاده احتمالی از اطلاعات و یا عدم وجود چنین احتمالی؛
- د- نوع وسایل و ابزارهای مورد استفاده برای نقض حریم خصوصی؛
- ه- استمرار و یا موردی و یا موقتی بودن نقض حریم خصوصی؛
- و- آگاهی و یا جهل فرد از نقض حریم خودش؛
- ز- رضایت یا عدم رضایت او در خصوص نقض حریم خصوصی (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲۸).

وجود این عوامل که هم معرف عنصر انصاف و عدالت در حریم خصوصی است و هم مبین قلمرو و معیارهای مد نظر برای شناخت حریم خصوصی است، باعث شده که معیار شخصی بودن حریم خصوصی به‌گونه‌ای بر ضابطه نوعی آن ترجیح پیدا کند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان با اولویت‌بخشی به ضابطه شخصی در تعیین قلمرو حریم خصوصی به مصادیق نقض آن نیز توجه کرد، هر چند در آموزه‌های اسلامی، موضوع رضایت فرد برای شکستن حریمش نمی‌تواند یک عامل مورد قبول تلقی شود؛ چرا که امام صادق علیه السلام فرمودند: ^۴ آبروی مؤمن در اختیار خود او نیست (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۶۳). البته نسبت به شهروندان دارای شهرت بد، باید به‌گونه دیگری تعریف شود که در آموزه‌های اسلامی از آن، به مجاز بودن غیبت افرادی که مشهور به فساد می‌باشند، تعبیر شده است (متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۵۹۵).

ضرورت حریم خصوصی

با بررسی آموزه‌های وحیانی، ضرورت تکریم و عدم مداخله و تجاوز به حریم خصوصی نمایان می‌شود. مبانی دینی به‌ویژه اسلام، مشحون از توجه به این نکته مهم است. به‌عنوان مثال، دستورات مختلفی در قرآن وجود دارد که از آنها استفاده می‌شود در حد امکان باید آبروی اشخاص حفظ شود (دهقان، ۱۳۷۹: ۳۶۵)؛ مانند: قرض دادن (انفال: ۸)، محروم‌نکردن سائل (ضحی: ۹۳: ۱۰)، اجازه گرفتن برای ورود به منزل دیگران (نور: ۲۴: ۲۷) و مهلت دادن به بدهکار (بقره: ۲: ۲۸۰). بدین منظور قرآن کریم دستورات خاصی را برای جلوگیری از ارتکاب و اقدام به امور منافی با تکریم و از بین برنده حریم افراد داده است؛ مانند: ممنوعیت سوء ظن، تجسس و غیبت (حجرات: ۴۹): ۱۲، ممنوعیت تهمت (نساء: ۴: ۱۱۲)، ممنوعیت تمسخر (حجرات: ۴۹: ۱۹)، ممنوعیت بدزبانی (حجرات: ۴۹: ۱۱)، ممنوعیت اشاعه فحشا (نور: ۲۴: ۱۹) و ممنوعیت فاش کردن عیوب مؤمنان (نساء: ۴: ۱۴۸).

ضرورت این موضوع در روایات معصومین علیهم‌السلام با مفاهیم مختلفی تبیین شده است؛ مانند حق حاکم بر مردم و بالعکس و حق مؤمن بر مؤمن. در روایتی می‌خوانیم که خداوند، حق مردم را بر حق خود مقدم داشته است (آمدی، ۱۳۷۸، ح ۴۷۸۰) و در روایتی دیگر، عظیم‌ترین و بالاترین حق، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم معرفی شده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) و در روایت دیگری نیز آمده است که خداوند به هیچ چیزی همانند ادای حق مؤمن، عبادت نشده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۷۰) و در روایتی دیگر، حداقل حقوق مؤمن، آن دانسته شده است که انسان دوست بدارد برای او، آنچه را برای خود می‌پسندد و بد بداند برای او، آنچه را برای خود بد می‌داند (همان: ۱۷۴).

از جمع‌بندی این نمونه از احادیث استفاده می‌شود که پذیرش حریم خصوصی و عدم مداخله بی‌مورد در آن و نقض نکردن آن، حداقل مطلوب‌های مؤمن است؛ هر چند هر مؤمنی مکلف است که خود نیز در خلوت و جلوت به مراقبت از حدود الهی بپردازد. تاریخ حاکی از آن است که در زمان حکومت امام علی علیه‌السلام در کوفه، مردم شهر انبار، مورد تجاوز لشکر معاویه قرار گرفتند و یکی از سربازان معاویه، خلخال را از

پای یک زن یهودی ریود. وقتی که این خبر به امام رسید، فرمودند: اگر کسی از این خبر، غصه بخورد تا بمیرد از نظر من، قابل سرزنش نیست. همه اینها حاکی از ممنوعیت ورود به حوزه حریم خصوصی افراد می‌باشد.

امر به معروف و نهی از منکر

از مهمترین فرایض الهی که بر مبنای تحقق سعادت جمع و رساندن آنها به جامعه نمونه و ارائه یک الگوی موفق، تبیین شده است، امر به معروف و نهی از منکر است. برخورداری از جامعه نمونه با این فریضه الهی، ارتباط مستقیم دارد؛ چرا که قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۱۰ اعلام می‌نماید که شما بهترین امت می‌باشید؛ بدان دلیل که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و این مبنای تحقق سعادت یک جامعه است. اهمیت این موضوع تا بدان حد است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «الدنيا ملعونة ملعون ما فيها الا امرأ بمعروف او نهياً عن منکر او ذكراً لله» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۸۷). وحدت اجتماعی، رهین امر به معروف است؛ چنانچه این معنا در دو آیه از سوره آل عمران (۱۰۳-۱۰۵) تبیین شده است. جامع‌ترین اصول اخلاقی در امر به معروف و نهی از منکر تعبیه شده است (نحل ۱۶): (۱۲۵ - ۱۲۸). از جمله علل مهم شکست ملت‌ها بی‌توجهی افراد نسبت به سعادت و عدم سعادت خود و جامعه بوده است. تفرقه و اختلافات در جامعه، ناشی از فقدان امر به معروف و نهی از منکر است (انفال ۸): (۴۷) و وجود چنین اختلافی، سستی و منازعه و نابودی را در پی خواهد داشت (آل عمران ۲): (۱۵۲).

دلیل سعادت‌محوری در بنیادهای این فریضه الهی را می‌توان این‌گونه تقریر کرد: رسالت کلی پیامبران در قالب برداشتن زنجیرها، رهانیدن از زشتی‌ها و پلیدی‌ها و بارهای سنگین غلط و انحرافات اجتماعی، تعریف شده است (اعراف ۷): (۱۵۷). بر اساس سخن امام علیؑ، پیامبران آن‌گاه مبعوث شدند - به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ - که میوه زندگی، آشوب، خوراک جهان، مردار، جامه زیرین آن بیم و هراس و جامه رویین آن، شمشیر بود (نهج البلاغه، خطبه ۸۹). از طرف دیگر، هر جامعه‌ای نیاز به انجام اصلاحات دارد و این یک فرمول کلی است که هم در سیره عقلا وجود دارد و هم در سیره شارع مقدس. این اصلاحات یا در مورد انحرافات است یا کمبودها و نقایص و یا

برای ایجاد شتاب بهتر و مناسب و در هر حال، ایجاد توازن سالم و مناسب در جامعه. تحقق این مسیر به نوع حاکمان بستگی زیادی دارد؛ چرا که امام علی علیه السلام در جواب معمر بن خلاد فرمودند: «نصیب من از حاکمیت شما به خدا سوگند، فقط کیسه کوچکی است که در آن مثنی آرد جو نیخته است و سر آن هم مهر شده تا کسی چیزی بر آن نیفزاید» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۲۹). این رسالت در خصوص سازندگی معنوی، نشر دانش و مبارزه با نادانی نمایان‌تر است که سهم حاکمان هم در آن خیلی نمایان است (بقره (۲): ۱۲۹؛ طلاق (۶۵): ۱۱؛ انبیاء (۲۱): ۴۸).

روشن است که هدف ارسال رسل آن است که انسان تا حد ممکن، خود را از آرایش‌های طبیعت و هواهای نفسانی پاک سازد و به سیر روحانی پردازد تا بتواند در جهان آخرت به درجات بالاتر معنوی برسد. رسیدن به آن در گرو عمل مردم است و مبنای عمل نیز باید دین باشد؛ چرا که مبنای دین، عدالت است و انسان فطرتاً به دنبال دین حرکت می‌کند. وجود چنین مبنایی، زمینه اقامه حق را به وجود می‌آورد و اقامه حق، زمینه‌ساز رشد و بلوغ انسانی است. بنابراین، زمینه اصلی حضور دین در نتیجه عمل مردم به دین است. سیاست راهبردی قرآن در این خصوص، هموارکردن راه‌های اصلاح در قالب مبارزه با سران و مستکبران (هود (۱۱): ۲۷-۲۹) و مترفین و شادخواران (سبأ (۳۴): ۳۴-۳۵) و شکستن قبح گناه و منکر در بین افراد گناهکار (مائده (۵): ۱۰۴) است. از این رو، فرمودند: سه گروه را احترامی نیست؛ هواپرست بدعت‌گذار، حاکم ستمگر و فاسقی که آشکارا به فسق می‌پردازد (الحمیری، ۱۴۱۷ق: ۱۰۷).

با لحاظ آنچه گذشت و جمع بین وظیفه مردم و دولت، می‌توان گفت: آنچه می‌تواند این پیوند مبارک را به وجود آورد، به گونه‌ای که نتیجه آن تحقق سعادت باشد، امر به معروف و نهی از منکر است (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۲: ۵۶).

تعیین نسبت حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر

اکنون با توجه به جایگاه ویژه این دو فریضه الهی و رویکرد سعادت‌محوری که در امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، این سؤال مطرح است که از نظر قلمرو، چه نسبتی بین این دو مفهوم وجود دارد؟ آیا این دو حوزه، تداخلی در قلمرو دارند. آیا پذیرش حریم خصوصی با اجرای اوامر و نواهی الهی در جامعه تعارض دارد؟ آیا اعمال امر به معروف و نهی از منکر به منزله نقض حریم خصوصی افراد می‌باشد؟

برای ارائه پاسخ دقیق به این سؤال، ضروری است به مبانی پیش گفته توجه شود. اگر این معنا پذیرفته شود که هدف اصلی امر به معروف، تحقق سعادت فرد و جامعه است و نه دخالت در امور شخصی و یا وادارکردن فرد به انجام رفتاری خاص از روی اکراه و اجبار و اگر پذیرفته شود که تعیین قلمرو حریم خصوصی در گرو توجه به مبانی نظری آن است، می توان نتیجه گیری کرد که تعارض متصور بین این دو حوزه در حد یک درک اولیه و غیر ماندگار است. به منظور توضیح و تبیین بیشتر ضروری است چند نکته را مد نظر قرار داد:

الف- در علم حقوق و در راستای تعیین اهداف حقوق، دو مکتب اصلی، شکل گرفته است. به بیان دیگر، در پاسخ به این سؤال که هدف حقوق چیست، حقوقدانان به دو نوع دیدگاه توجه کرده اند. در دیدگاه اول، هدف از حقوق، تأمین حداکثر آزادی فرد و حداقل دخالت دولت (عدالت اجتماعی معاوضی) بیان می گردد و در دیدگاه دوم، هدف حقوق، تلاش برای تحقق و عملیاتی شدن سعادت جامعه (عدالت اجتماعی توزیعی) معرفی می شود؛ به گونه ای که فرد در این دیدگاه تنها به عنوان سلولی از این پیکره تعریف می شود که بدون وجود جمع، حتی حیات هم نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۵). اتخاذ هر کدام از دو مکتب فوق، اثر متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. بر مبنای اول، حریم خصوصی دایره ای وسیع را شامل می شود و در نتیجه با امر به معروف و نهی از منکر، تعارض پیدا خواهد کرد. مبنای دوم هم، هر چند حریم خصوصی و آزادی فردی را به حداقل خود می رساند، باز از جهت دیگری با امر به معروف و نهی از منکر، تعارض دارد. به نظر می رسد راه برون رفت از این مشکل، پذیرش مبنای سومی در این رابطه است و آن، سعادت محوری و اخلاق محوری است. اگر هدف حقوق، همچون اخلاق، پیدایش فضایل در جامعه و طرد رذایل باشد، تعیین حریم خصوصی، منوط به این معیار خواهد بود و از آنجا که ارزشهای اخلاقی ثابت، همچون ادای امانت و وفای به عهد، مورد پذیرش همگان است، تعیین حوزه حریم خصوصی، کار پیچیده و مشکلی نیست.

ب- پذیرش حق الله در کنار حق مردم از دیگر پارامترهای تعیین حوزه حریم خصوصی است. اگر عملی باعث از بین رفتن حق خداوند باشد، به دلیل تقدم حق خداوند، آن عمل باید محدود شود. نتیجه پذیرش این مبنا، ایجاد اندیشه جدید و یا بازخوانی اندیشه های

موجود و در نتیجه تعیین نوع رفتار مطلوب اجتماعی است.

ج- فلسفه وجودی، منطق و دلیل مطرح در حریم خصوصی با امر به معروف متفاوت است. توجه به این سه حوزه، کمک شایانی به تعیین قلمرو هر کدام خواهد کرد. فلسفه وجودی حریم خصوصی، تحقق کرامت انسانی، جلوگیری از مداخله و تجاوز بی‌مورد و بدون علت در زندگی افراد، جلوگیری و ممانعت از ظلم و رفع ناامنی است. ایجاد آرامش روحی و روانی در افراد جامعه در محدوده‌ای که به خود آنها متعلق است، زمینه‌ساز هر نوع پیشرفت و ترقی است. آن‌گاه که این حریم نقض می‌شود با انگیزه اذیت و آزار، بی‌آبروکردن افراد، ایجاد محدودیت و محرومیت، سرقت ادبی، ایجاد ناامنی و دستبردزدن به اطلاعاتی است که فرد دوست ندارد آنها در دید و منظر عمومی قرار گیرد. دلیل چنین اقداماتی را نیز باید عدم اعتقاد به مبدأ و خالق جهان، عدم باور به معاد و فرجام و نداشتن حس مسؤولیت دانست. اما مسأله امر به معروف کاملاً متفاوت است. اعمال محبت عالمانه، ابراز دلسوزی عالمانه (به‌ویژه آنکه از جمله شرایط امر به معروف، علم امر به معروف است)، عشق به مکتب و جامعه، اعمال ولایت، ترویج و نهادینه‌کردن خوبی‌ها، کاستن و محوکردن همه زشتی‌ها، تحقق سلامت روحی - روانی، ایجاد الگوی مناسب در روابط اجتماعی و در نهایت، تحقق امت نمونه اسلامی، به‌عنوان بهترین امت که جمع همه موارد فوق، کمال‌محوری و سعادت‌محوری است، زیربنای فلسفه وجودی امر به معروف و نهی از منکر را شکل می‌دهد. با این بیان می‌توان گفت که شرط استفاده صحیح از حریم خصوصی، امر به معروف است؛ بلکه باید گفت ضمانت اجرای آن نیز می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر امر به معروف در بین نباشد، هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت که حتی حریم خصوصی هم وجود خارجی داشته باشد.

د- امر به معروف و نهی از منکر با رویکرد تعلیم جاهل، تنبیه غافل و ارشاد ضال و با مدیریت خاص گفتمانی جلوه‌نمایی می‌کند. در قرآن کریم می‌خوانیم که خداوند نسبت به نحوه گفتار حضرت موسی در برابر فرعون، به او گوشزد می‌کند که «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» (طه: ۲۰): ۴۴). بنابراین، تلاش آمران و ناهیان در پرتو آموزه‌های اسلامی با دانایی‌محوری همراه است و این دانایی هرگز به‌معنای لطمه‌زدن یا نادیده‌گرفتن حریم دیگران نیست.

هـ- با رجوع به آیات قرآن می‌توان دریافت که حوزه‌های حریم خصوصی به‌صورت مطلق ترسیم شده‌اند؛ مثلاً آن‌گاه که از ممنوعیت ورود به آبروی دیگران سخن می‌گوید (حجرات (۴۹): ۱۱)، به‌گونه‌ای موضوع را طرح می‌کند که زمینه توجیه و تأویل را از بین می‌برد. این اطلاق، هم از نظر موضوعی، هم از نظر زمانی، هم از نظر مکانی و هم از جهت مذهبی و اعتقادی، عام است. از این رو، خروج از آن، نیاز به دلیل خاص دارد تا اطلاق را تخصیص بزند و یا آن‌گاه که از ممنوعیت ورود به منزل دیگران بدون اجازه صاحب منزل سخن می‌گوید با قید و یا تبصره خاصی همراه نمی‌کند تا قابل تأویل و توجیه باشد. از این رو، شکستن حوزه‌هایی که با نام حریم خصوصی تعریف می‌شوند، نیاز به دلیل خاص دارد؛ چرا که ممنوعیت تجاوز و تعدی به این قلمرو، مطابق اصل می‌باشد. رویکرد قانونگذار ایرانی در اصول مختلف قانون اساسی و سایر قوانین هم بدین منوال است. بدین منظور، ورود به منازل دیگران، نیاز به مجوز خاص قضایی دارد و حیثیت، جان، مال و آبروی مردم نیز به‌طور مطلق مورد احترام قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به موارد مهمی در قانون اساسی از جمله در اصول ۱۴، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ و قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۷، تبصره ماده ۴۳، ماده ۹۶، ماده ۹۸ و ماده ۱۰۴ و قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۷۰، ۵۷۳ الی ۵۷۵، ۵۸۰ - ۶۹۴ و به‌طور خاص، ماده ۶۴۱ اشاره کرد.

اکنون با توجه به کلیه عوامل فوق می‌توان گفت که رفتارها و اعتقادات افراد، سه صورت دارد؛ در مواردی، کاملاً این باورها و رفتارها شخصی است و به هیچ وجه جنبه اجتماعی ندارد؛ مثل آنکه فرد در منزل شخصی، نوع خاصی غذا می‌خورد یا لباس می‌پوشد که در این صورت باید گفت: راهی برای ورود به این ساحت وجود ندارد و هرگونه ورود، مصداق تجسس و در نتیجه تحقق نهی الهی (لاتجسسوا) خواهد بود؛ چرا که تنها راه فهمیدن این نوع مسائل، تجسس و تحسس است.

صورت دیگر، رفتار یا باوری است که می‌تواند اثر اجتماعی داشته باشد، ولی فرد تلاش می‌کند که رفتار یا باورش به هیچ عنوان، اثر اجتماعی نداشته باشد و لذا مانع از تسری آثار آن بر جامعه می‌شود. این مورد هم مصداق حریم خصوصی و متعلق به فرد است و ورود دیگران به آن و افشای آن، مصداق اشاعه فحشا خواهد بود. اگر شبهه و یا سؤالی ایجاد شود که چرا این بخش، متعلق به حریم خصوصی شده است، پاسخ این

خواهد بود که آیات قرآنی در خصوص عدم تجسس، عدم ورود به منزل و عدم تعدی به آبرو، عام است و تخصیص، دلیل می‌خواهد.

صورت سوّم، مواردی را شامل می‌شود که عمل، کاملاً جنبه عمومی پیدا می‌کند. این صورت جای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است؛ چرا که این حوزه، متعلق به حریم عمومی است. عمومیت یافتن عمل یا به دلیل آثار و نتایج آن است و یا به دلیل ذات عمل و ماهیت آن؛ چنانچه می‌تواند به اعتبار موقعیت و ویژگی خاص آن باشد. در مفاهیمی چون خلاف شأن، موضوع این‌گونه است. این سخن، بدان معنا نیست که فرد می‌تواند در غیر امور عمومی، هر رفتاری را انجام دهد و مرتکب هر گناهی شود؛ بلکه بدان معناست که هر فرد وظیفه دارد در هر حال، رعایت دستورات الهی را بکند؛ ولی آن‌گاه که از حدود الهی تجاوز کرد و در واقع حریم الهی را شکست و در نتیجه آن، حریم عمومی از بین رفته است، وظیفه آن است که با ابزارهای دفاعی و منطقی تعیبه شده در دین؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر با آن مقابله کرد. در این حالت، فرد نمی‌تواند ادعای حریم خصوصی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

حریم خصوصی امروزه در محور مباحث حقوق بشری قرار دارد. هدف از پذیرش چنین حق مستقلی، از یک سو، توجه و حمایت از فرد در حوزه‌های خاص و از سوی دیگر، ایجاد محدودیت و ممنوعیت ورود دیگران به این حوزه‌ها می‌باشد. وجود چنین فاصله‌ای، آرامش‌بخش فرد در راستای زندگی خود خواهد بود. آنچه در این رابطه مهم است، تعیین معیارهایی است که به واسطه آنها بتوان مرزهای این حق را به‌طور دقیق ترسیم کرد تا ضمن امکان دفاع همه‌جانبه از چنین حقی، مانع از بین رفتن سایر حقوق و تکالیف شد. آنچه در این مقاله دنبال شد، تلاشی بود برای رسیدن به چنین هدفی. حریم خصوصی را باید متعلق به حوزه‌هایی دانست که لازمه یک زندگی طبیعی و سالم است؛ به گونه‌ای که ورود به آن، باعث از بین رفتن آرامش فرد می‌شود. با توجه به عوامل مختلفی که در تحقیق ارائه شد، امکان سیال بودن این حریم، منتفی نیست. اما مهم آن است که هر نوع تغییر و تحول در قلمرو این مفهوم با توجه به ماهیت جرم‌زابدن رفتارهای مغایر و مبانی نظری این حق صورت گیرد. وجود چنین تصویری می‌تواند زمینه اجرایی شدن سایر حقوق را فراهم آورد. از جمله این حقوق، حق امر به معروف

و نهی از منکر است. چنانچه فرد با رفتار و عمل خویش، حریم خود را بشکند و در نتیجه، حریم عمومی جریحه‌دار شود، وظیفه همگان اعمال حق الهی است که در واقع، خود نوعی حمایت جدی از حریم خصوصی است. اعتقاد به اینکه افراد، آزاد هستند که با سلیقه خود، مرزهای حریم خصوصی را در عرصه‌های اجتماعی قرار دهند و با بهره‌گیری ناصحیح از حریم خصوصی که خود، نوعی سوء استفاده از این حق می‌باشد، نمی‌تواند اعتقاد صحیحی باشد. از طرف دیگر، جامعه و دولت نیز نمی‌توانند با هر دلیل احتمالی، این حوزه‌ها را نقض کنند. وجود گمان قوی و عقلانی، توجه به امنیت ملی و توجه به سعادت فرد و جامعه که از رهگذر اراده آزاد میسر می‌شود، همگی دلایلی خواهند بود که با توجه به آنها بتوان راه‌های نقض حریم خصوصی را تعریف کرد.

یادداشت‌ها

1. Louis Brandeis.

۲. به‌عنوان مثال آیه ۲۷ و ۲۸ از سوره نور که در آن دستور داده شده است که به خانه‌هایی که متعلق به شما نیست، داخل شوید تا اینکه اجازه بگیرید. برای دیدن ادله دیگر ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۷: ۲۱۴؛ روح المعانی، ج ۱۰: ۲۰۱؛ کلینی، الکافی، ج ۴، باب العشر؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲: ۶۲۲ و ۶۲۴؛ میزان الحکمه، ج ۱: ۳۸ - ۴۸؛ (جمعی از نویسندگان، تفسیر موضوعی قرآن کریم: ۲۷۲-۲۹۰؛ علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۸ (عربی) ذیل آیه یازدهم از سوره حجرات.
۳. ظاهر آیه شریفه که می‌فرماید: «مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور، (۲۴): ۱۶)، نفی حق است.
۴. طبق حدیث نبوی، پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: «ان الله عزوجل فوّض الی المؤمن امورہ کلها و لم یفوض الیه ان یدل نفسه؟ الم تسمع قول الله «وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَرَسُوْلِهِ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ...» (ثالثی الاخبار، ج ۲: ۳۶).

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، با ترجمه حضرت آیه... مکارم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات انصاریان، ج ۴، ۱۳۷۸.
۴. ادیاتی، سیدیونس، مفهوم حریم خصوصی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸م.

۶. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، قاهره، ۱۹۹۰م.
۷. الحمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه کوشانپور، ۱۴۱۷ق.
۸. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۹. بروجردی، مهدخت، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
۱۰. نویسندگان، محمدنبی، لثالی الاخبار، قم، مکتبه محمدیه، بی‌نا.
۱۱. جمعی از نویسندگان، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
۱۲. جمعی از نویسندگان، فلسفه حقوق، قم، مؤسسه آموزشی، و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و همکاران، الحیاة، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما، ۱۳۸۴.
۱۴. دهقان، علی‌اکبر، هزار و یک نکته از قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۹.
۱۵. ری‌شهری، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۶. سامارا جیوا، روان، «تفاوت طبقاتی در حریم مشخص»، مجله پیام یونسکو، شماره ۳۸۰، ۱۳۸۰.
۱۷. شهیدثانی، رسائل، قم، مکتبه بصیرتی، بی‌نا.
۱۸. شیخ انصاری، کتاب المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ق، ج ۱.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، قم، اسماعیلیان، ج ۳، ۱۳۹۳ق.
۲۰. عبدالرحمن بن الجوزی، زاد المسیر، قم، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۲۱. علامه حلی، المختصر النافع فی فقه الامامیه، تهران، بی‌نا، ۱۴۱۰ق.
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۲۴. کدخدایی، عباسعلی، شبکه‌های اطلاعاتی؛ نقض حقوق بشر، سایت ایران و جامعه اطلاعاتی.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۶۷، ج ۵.
۲۶. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹، ج ۳.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ۱۳۶۳.
۲۹. میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۹م.
30. Samuel warren, and louis Brandeis, *The Rights to Privacy*, Harward law Review, 1890.
31. Volio Fernnda, *Legal Personality, Privacy and the Family* (ed) the in Ternatuonal Bill of Rights, Columbia University Press.